

عشق و شعله شوق در نهادشان شعله ور کرد و بهای
احکام ماب الامتاز سوختن بگرد و حکم باب الالهی قوت یابد
آن تعلق و میل حسی از آن مظهر منقطع کرد و در سر جمال مطلق
از صورت حسن مقید بر تید باید در راز در با هم مشاهده کرد
ایشان کشاده کرد و عشق مجازی عارضی را که محبت
حقیقه را میگیرد **رباعیه** بس کس که بدید روی خوبان طراز
و افتاد زون عشق در سوز گذار در مجلس اسل ذوق نشد
چشم راز **نوشته** حقیقت از جام مجاز **طبقه** **تالیه** کوفتا
را که در صد و عدم تفریکه و موم من عجب بپسند چش
یعنی از بزرگان از آن استعانه کرده اند و گفته اند نفوذ
بافتن من التکر بعد التوفی و من عجز بعد النجا و تعلق آن هر
و میل حسی نسبت با ایشان از صورت ظاهر حسی که بعضی
موصوفی پسند تجا و زینت چند نمود و کشف مقیدشان
و سبب را او باشد و اگر آن تعلق و میل حسی از صورت منقطع
کرد و بصورت دیگر که آن کسین را استه باشد چونند کرد و با

117
و در ایام درس کشانش بماند و آن تعلق و میل مصوری فتح
باب عجب جمال و فتنه و آفت و خذلان شود در دل و نوا
نفوذ یافته من ذک **رباعیه** در مانند کس که است در خوبان
دل و زمره تان کثرت چونند کسین و صورت کل من
جانان دید و بماند پای اول و تا بقیامت در کل **رباعیه**
ای خواهد چسبند حال میان خود و کس که آنکس جمال اقدس
کن تا چند در آب جاه مرین **نوشته** در نافت زا بوج صبح بر بالا
کن **طبقه** **رباعیه** آلودگان که نفس ما را ز ایشان غره است
و آتش شمعوت ایشان بنفوس در سقیال افیلین طبعیت
افزاده اند و در سخن سخن بهمت رخصت معاده اند و صفت
عشق و محبت از ایشان منعی است و نعت صفت و لطافت
در ایشان محقق محبوب حقیقه را با کاتبه فرمودن کرده اند و با
مخسوبان مجازی دست در آغوش آورده باز روی طبع آرام
گرفته و هوای نفس را عشق نام نموده بهتاهبت **رباعیه** ایشان
ز کجا و عشق باز ز کجا همد و رجا زبان نازی از کجا **رباعیه** در اول